

به نام خدا

کلاس درس خلاق

مولفان :

احمد یزدان پناه علم دارلو

کوثر سجادیان

مریم زارع مویدی

فاطمه نام آور شهرکی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : یزدان پناه علم دارلو، احمد، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور : کلاس درس خلاق / مولفان احمد یزدان پناه علم دارلو، کوثر سجادیان،
مریم زارع مویدی، فاطمه نام آور شهرکی.
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۰۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۳۴-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : خلاقیت - کلاس درس - آموزش
شناسه افزوده : سجادیان، کوثر، ۱۳۷۶
شناسه افزوده : زارع مویدی، مریم، ۱۳۷۲
شناسه افزوده : نام آور شهرکی، فاطمه، ۱۳۷۴
رده بندی کنگره : PN۲۱۸۶
رده بندی دیویی : ۸۰۹/۲۲۹
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۲۲۱۰۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : کلاس درس خلاق
مولفان : احمد یزدان پناه علم دارلو - کوثر سجادیان - مریم زارع مویدی - فاطمه نام آور شهرکی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۳
چاپ : زیرجد
قیمت : ۱۰۷۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۳۴-۶
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	فصل اول: کلیات خلاقیت
۹	تعاریف خلاقیت
۱۲	مراحل خلاقیت
۱۳	تحول خلاقیت در طول زندگی
۱۵	اجزای تشکیل دهنده خلاقیت
۱۶	پیش نیازهای داشتن خلاقیت
۱۷	تفاوت خلاقیت با تفکر واگرا
۱۷	دیدگاه‌های خلاقیت
۲۲	نظریات خلاقیت
۲۵	الگوهای خلاقیت
۲۷	سیر تحول مطالعه خلاقیت
۲۹	فصل دوم: دانش آموز خلاق
۲۹	تقویت مهارت خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان
۳۰	ویژگی‌های دانش آموزان خلاق
۳۲	پرورش خلاقیت در خانواده
۳۳	معلم و نقش او در پرورش خلاقیت دانش آموزان
۳۳	راهکارهای پرورش خلاقیت
۳۶	راهکارهایی برای کشف استعدادها و خلاقیت در دانش آموزان
۳۷	شکوفایی استعدادهای دانش آموزان توسط معلم
۳۸	استعداد یابی و راهکارهای پرورش آن
۳۹	الگوی پیشنهادی خلاقیت آموزی در دبستان
۴۱	فصل سوم: روش تدریس خلاق
۴۱	نگاهی به روش تدریس مبتنی بر خلاقیت
۴۲	کلاس درس و خلاقیت
۴۴	گام‌های دست‌یابی به خلاقیت
۴۵	نقش خلاقیت و نوآوری در پیشرفت دانش آموزان، تاثیر معلم در ایجاد خلاقیت

۵۰ موانع خلاقیت
۵۰ موانع رشد خلاقیت در دانش‌آموزان
۵۰ جهت‌گیری خلاقیت در سازمان‌های آموزشی
۵۵ گام‌های دست‌یابی به خلاقیت
۵۷ بیست اصل توسعه و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان
۶۱ مراحل اجرای روش تدریس مبتنی بر خلاقیت
۶۲ روش تدریس اکتشافی چیست؟
۶۳ مراحل روش تدریس اکتشافی
۶۴ نقش معلم در روش تدریس اکتشافی
۶۴ محاسن روش اکتشافی
۶۵ محدودیت‌های روش اکتشافی
۶۶ ویژگی‌های معلم پرورش دهنده‌ی خلاقیت
۶۷ آموزش خلاقیت و نقش معلم در پرورش آن
۶۷ معلم و شیوه‌های پرورش تفکر خلاق
۶۸ شیوه‌های گوناگون تدریس
۷۱ شیوه‌های پرسش خلاق
۷۳ طوفان فکری
۷۳ تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر
۷۶ آموزش و پرورش و خلاقیت
۷۸ ویژگی‌های دانش‌آموز خلاق
۷۹ روش‌های ایجاد تفکر خلاق
۸۱ چگونه تدریس خلاق داشته باشیم؟
۸۲ نقش معلم در رشد خلاقیت در کلاس
۸۳ ساختار کلاس
۸۴ پیشنهادهایی کاربردی برای معلمان
۸۷ فصل چهارم: روش‌های ایجاد تفکر خلاق
۸۷ عناصر خلاقیت
۸۷ روش‌های ایجاد تفکر خلاق
۸۹ ویژگی‌های شخصیت خلاق
۹۱ منابع خلاقیت

۹۲	دانش آموز خلاق را بشناسید
۹۴	تعریف خلاقیت هیجانی
۹۴	عناصر خلاقیت هیجانی
۹۴	تأثیر خلاقیت هیجانی بر زندگی افراد
۹۵	درجات و انواع گوناگون پاسخ های هیجانی خلاقانه
۹۷	منابع و مآخذ
۹۷	منابع فارسی
۱۰۵	منابع لاتین

مقدمه

خلاقیت یک توانایی است که تحت تأثیر عوامل مختلف فردی و اجتماعی است. عوامل فردی مانند ویژگیهای فردی نیز تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی مانند خانواده و جو حاکم بر آن است. پس می توان گفت عوامل اجتماعی در خلاقیت نقش کلیدی دارند، بنابراین پرورش خلاقیت مستلزم وجود یک سیستم خلاق است.

نظام آموزش و پرورش در پرورش و تربیت نیروی انسانی خلاق جایگاه خاصی دارد این نهاد نیز هرچند از فرهنگ و جامعه خویش تأثیر می پذیرد. اما می تواند نقش کاملاً تعیین کننده ای در گرایشهای فکری - فرهنگی جامعه داشته باشد. بنابراین برای داشتن جامعه خلاق، وجود نظام آموزش و پرورش پویا و خلاق اجتناب ناپذیر است.

مهمترین اجرای تشکیل دهنده یک نظام آموزشی عبارتند از:

برنامه درسی - محیط آموزشی و معلم این سه رکن در مجموع عامل تقویت یا تضعیف خلاقیت در دانش آموزان هستند با توجه به این که پرداختن به سه مورد در این مقاله ممکن نیست ما در این جا بر عامل معلم متمرکز می شویم.

بلوم (۱۹۸۵) معتقد است معلمان نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و مستعد بازی می کند گرتزل (۱۹۷۸) در نتیجه مطالعه خویش از بیوگرافی افراد مشهور اعلام نمود: مرشدان و راهنمایان در ایجاد انگیزه در این افراد نقش بسیار مهمی ایفا کردند.

اما اگر کلاسهای درسی و معلمان در جامعه خودمان نظر بیندازیم علی رغم آن که بسیاری از معلمان ممکن است افرادی علاقه مند و پر تلاش باشند نه تنها در برانگیختن قوای خلاقانه دانش آموزان هیچ گونه موفقیتی ندارند بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه این توانایی را تضعیف و حتی نابود می کنند.

برای این که علل و عوامل این موضوع روشن گردد نیاز به تحقیقات بسیار وسیع و عمیق است. مسلماً عملکرد معلمان از سایر مسائل نظام آموزش و پرورش جدا نیست معلمان ما

از شرایط حاکم بر نظام آموزش متأثرند و نحوه آموزش، رفتار، ارتباطشان با دانش آموز تا حد زیادی تحت تأثیر سایر موقعیتهای آموزشی است.

اما این بدین معنی نیست که معلمان افرادی منفعل هستند که قادر به اجرای طرح و برنامه ای نباشند، بلکه معلمان می توانند جهت و حرکت داشته و برای پرورش دانش آموزانی مستعد برنامه ریزی و تلاش کنند.

فصل اول

کلیات خلاقیت

تعاریف خلاقیت

خلاقیت یکی از مفاهیم پیچیده مربوط به انسان است. این واژه اغلب مترادف با اصطلاحاتی از قبیل اکتشاف، اختراع، حل مساله، ابداع، نوآوری و... است. از اینرو به منظور دستیابی به معیارهایی جهت شناسایی رفتار خلاق از غیرخلاق تحقیقات متعددی انجام گرفته است و نتایج آن منجر به ارائه تعاریف متعدد و گسترده ای از خلاقیت شده است که میان آنها تفاوت‌های بسیاری مشاهده می‌شود این گستردگی ریشه در مکاتب و دیدگاه‌های روانشناختی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی دارد.

برونوسکی از جمله کسانی است که میان خلاقیت، اختراع، اکتشاف تفاوت قائل می‌شود و از نظر او کلمه کشف برای پی بردن به واقعیت، اختراع برای وضع نظریه علمی و خلق برای ایجاد شاهکارهای ادبی و هنری بکار برده می‌شود.

حل مساله واژه دیگری است که گاه مترادف با خلاقیت به حساب می‌آید و حتی گروهی خلاقیت و حل مساله را فرآیندهای مشابهی می‌دانند همچون رابرت ام کاینه (۱۹۷۷-۱۹۸۴) که بالاترین سطح یادگیری را حل مساله می‌داند و خلاقیت را نوع ویژه ای از حل مساله قلمداد می‌کند (سیف، ۱۳۸۰).

در فرهنگ جامع وراثشناسی خلاقیت را توانایی آفرینش چیزی تازه و بدیع تعریف می‌کنند (پورافکاری، ۱۳۷۶).

در واژه نامه جامع روانپزشکی و روانشناسی خلاقیت را توانایی ایجاد چیزی جدید می‌کنند (دهکانپور و همکاران)

و در لغت نامه روانشناسی در مورد تعریف خلاقیت بیان می کند: کنش اختراعی بر مبنای تخیل خلاق که از هوش مجزاست. تعریف دوم: استعداد آفرینش اشکال جدید در زمینه هنر یا مکانیک یا حل مسائل از راه روشهای جدید تعریف می شود (منصور و همکاران، ۱۳۷۰).

در فرهنگ علوم رفتاری خلاقیت را استعداد و توانایی پیدا کردن راه حل تازه برای حل یک مشکل یا سبک و روشهای نو برای متغیرهای هنری تعریف می کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۵).

کیلفورد (۱۹۶۷) خلاقیت را با توجه به ویژگیهای فرد خلاق اینگونه تعریف می کند: الگو یا مدل ساخت ذهنی از سه بعد اصلی بنام های بعد عملیات، بعد محتوا، بعد فرآورده تشکیل می شود که بر روی هم ۱۸۰ ترکیب را به وجود می آورد از نظر وی خلاقیت همان اندیشیدن واگراست (سیف، ۱۳۷۹).

آلبرت بندورا در تعریف خلاقیت می گوید: نوآوری حاصل از ترکیب کردن تاثیرات چند الگو یا حاصل از مشاهده یک الگوی واحد که استراتژیهای غیر معمولی را برای حل مساله بکار می گیرد (همان منبع).

پرکینز درباره خلاقیت می گوید: تفکر خلاق است تفکری است که طوری طراحی شده که تمایل به منجر شدن به نتایج خلاق دارد که یادآوری می کند که ملاک خلاقیت بازده است در واقع وقتی فردی را خلاق می نامیم که همواره نتایج خلاق بدست آورد یعنی از طریق ملاک های قلمرو سوال به نتایج بدیع و به عبارتی درست دست یابیم (احقر، ۱۳۸۰).

جورج اف نلر در تعریف خلاقیت می گوید: در خلاقیت فرآیند تغییر یا توسعه و تکامل در سازمان بندی حیات ذهنی است (مسدود، ۱۳۸۰). با توجه به تعاریف متعدد از خلاقیت عمده ای از صاحب نظران به دسته بندی آنان پرداختند.

(۱) تعاریف مبتنی بر دیدگاه شخص خلاق

(۲) تعاریف مبتنی بر فرآیندهای ذهنی

(۳) تعاریف خلاقیت بر حسب نتایج حاصل از آن

(۴) تعاریف مبتنی بر تاثیرات محیطی و فرهنگی (مسدود، ۱۳۸۰)

مدینک از جمله نظریه پردازانی است که خلاقیت را براساس فرآیند آن تعریف می کند:

خلاقیت یعنی شکل دادن به عناصر به صورتی مفید و جدید، در حالیکه گزین بر محصول خلاقیت تاکید دارد و آنرا ارائه کیفیتهای تازه از مفاهیم و معانی در نظر می گیرد.

مک کینون، رانشناس دانشگاه برکلی از گزارش پژوهشی خود نتیجه می گیرد که آفرینندگی :

۱- اندیشه یا پاسخ نوی است که از نظر آماری نامعمول است.

۲- پاسخ مناسب و شایسته ایست که مساله را حل می کند با موقعیتی سازگاری دارد و به حصول هدف یاری می دهد.

۳- موجب بینش واقعی و کارساز در حد اعلا می شود (پارسا، ۱۳۸۳).

آفرینندگی را نباید موضع اختصاصی بعضی اشخاص یا مشاغل محدود دانست بلکه در بسیاری از افراد به صورتهای گوناگون دیده می شود.

به عقیده مک کینون^۱ کار مهم روانشناس و پرورشکاران به هر طریق ممکن عبارت از کشف استعدادهای ذاتی شاکردان و ایجاد آنگونه جو اجتماعی و معنوی است که تجلی آنها را آرمان می سازد (همان منبع).

این تعریف شامل دو قسمت است : اول راه حلی که مساله را حل کند فدم تازگی راه حل برای کسی که مسئله را حل می کند.

اما سوال اینست که آیا حتماً باید مساله ای وجود داشته باشد تا خلاقیت شکل گیرد؟ آیا وقتی برای اولین بار کودکی ترکیب زیبای تازه ای از دو کلمه می سازد یا زمانیکه شاعری شعری می سراید یا نویسنده ای داستانی را می نویسد خلاقیت اتفاق نیفتاده است ؟

بر مبنای این ذهنیت خلاقیت را اینگونه تعریف می کنند:

«خلاقیت فرآیندی است که نتیجه آن یک کار تازه باشد و از سوی عده ای در یک زمان به عنوان چیزی مفید و رضایتبخش مقبول واقع شود» (استین، ۱۹۷۴).

اگر عرصه های متفاوت زندگی را در نظر بگیریم و بپذیریم که در هریک از این عرصه ها می تواند خلاقیت وجود داشته باشد در اینصورت می توان خلاقیت را به گونه ای کاملتر نیز تعریف کرد:

«خلاقیت توانائی شخص در ایجاد ایده ها، نظریه ها، بینش ها یا اشیای جدید و نووبازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه هاست که از نظر متخصصان به عنوان پدیده های ابتکاری قلمداد شده ، از لحاظ زیباشناسی ، فن آوری و اجتماعی با ارزش است) ورنون، ۱۹۸۹).

محور اصلی این تعریف تازگی و ارزش است البته سوالی که در اینجا مطرح می شود اینست که تازگی برای چه کسی؟ منظور از تازگی چیست؟ آیا تازگی به معنی مطلق آن مد نظر است؟ یعنی کار جدیدی که قبلاً نبوده است یا منظور از تازگی جدید بودن برای افراد است؟ یعنی امری که بارها انجام شده است اما برای فرد خاص تازگی دارد. اگر تازگی منحصر به کارهای بدیعی باشد که قبلاً به وجود نیامده است یعنی خلاقیت اختصاصی می گردد اما اگر شق دوم پذیرفته شود خلاقیت مفهومی عام دارد که از معمولی ترین افراد تا دانشمندان ، هنرمندان ، متفکران را در بر می گیرد. به این طریق به این نتیجه می رسیم که خلاقیت خصوصیتی نیست که در انحصار عده ای خاص باشد و وقتی صحبت از آن می شود تنها مبتکران و مخترعان بزرگ را انسان های خلاق بدانیم و یا اینکه خلاقیت را جزء خصیصه های شخصی افراد بدانیم که عده ای از آن برخوردارند و عده ای فاقد آن هستند تمامی افراد به درجاتی در زمینه های مختلف دارای قدرت خلاقه هستند و اگر زمینه های لازم برای شکوفایی و رشد آن فراهم شود می توانند آنرا ظاهر سازند.

مراحل خلاقیت

یکی از رایج ترین تقسیم بندیها از چگونگی شکل گیری فکر خلاق توسط والاس ارائه شده است. مراحل ۴ گانه خلاقیت از دید والاس (به نقل از حسینی، ۱۳۷۸) عبارتند از: آمادگی، نهفتگی، اشراق، اثبات.

۱- آمادگی : به منزله بررسی ، مطالعه ، جستجو، جمع آوری اطلاعات در مورد موضوعی خاص است. یک دانشمند یا یک هنرمند قبل از خلق اثر خویش باید از ابعاد مختلف زمینه کاری اش آشنا باشد و باید بر مقدمات آنکار مسلط باشد و از یک نوع آمادگی

کلی در زمینه های مختلف برخوردار باشد به عنوان مثال: در نقاشی آشنایی با رنگها، ابعاد، چشم اندازهها و... ضروری است.

علاوه بر آمادگی عمومی یک نوع آمادگی خاص نیز ضروری است یعنی آمادگی بررسی، جستجو، مطالعه و جمع آوری مدارک و ... که یک روش مهم مطالعه عقاید و نظریات دیگران درباره آن موضوع است. (حسینی، ۱۳۸۰).

۲- **نهفتگی:** در این مرحله نوعی توقف در کار دیده می شود و فرد تلاشی برای رسیدن به نتایج انجام نمی دهد در اینجا ممکن است حتی فرد راجب مساله فکر هم نکند. برخی معتقدند در این مرحله ذهن ناخودآگاه شروع به فعالیت می کند یعنی در واقع مساله رها نشده بلکه ذهن بطور ناخودآگاه آنرا دنبال می کند همانطور که دیده شده است که بعضی از افراد خلاق مساله ای را که روی آن کار می کردند بطور در عمد کنار می گذارند و به فعالیتهای دیگر می پردازند. تابرای حل مساله آمادگی کافی بیابند (همان منبع)

۳- **اشراق:** این مرحله جایگاه خاصی دارد چون تفکر شکل گرفته و حل مساله روشن می شود فرد خلاق در طول کار با موانعی روبه رو می شود که کار را دچار وقفه می سازد ولی ناگهان موضوع روشن می شود و فرد می تواند موانع را هموار سازد. این مرحله توام با جنبه های عاطفی است چون فرد با تحقق مساله احساس لذت می کند و باعث تلاش و کار بیشتر او می شود این مرحله را می توان با ایجاد محیط مساعد آن تسریع کرد (همان منبع)

۴- **اثبات:** در این مرحله فرد هرچه را بدست آورده اعم از اختراع، اکتشاف یا نظریه تازه اش را مورد ارزیابی قرار می دهد. شواهد آنرا دوباره می سنجد و آنرا از لحاظ منطقی آزمایش می نماید. او همینطور می تواند از دیدگاه و قضاوت دیگران بهره مند شود تا اثر خویش را تکمیل کند.

تحول خلاقیت در طول زندگی

خلاقیت چیزی بیش از یک خصوصیت شناختی یا شخصیتی است که افراد ممکن است در آن تغییر کنند بلکه فعالیتی است که در طول حیات انسان توسعه و تکامل پیدا می کند. پژوهشگران روانشناسی تحولی خلاقیت به دو جنبه این تبدیل طولی توجه کرده اند.